

ترجمه منوچهر خسروانی
کارآموز وکالت دادگستری
فارغ التحصیل دوره دکترای حقوق

دادرسی آی‌شمن

مقاله زیر را پروفیسور « Pierre Papadatos » استاد دانشگاه آتن برشته تحریر در آورده است.

استاد مزبور خود در قسمتی از دادرسی آی‌شمن بعنوان ناظر کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان حضور داشته و مقاله عالمانه و با ارزشی در این باره نگاشته است. آنچه در زیر میخوانید قسمتی از مقاله مذکور است:

۱ - از دوران محاکمه و محکومیت و اجرای حکم اعدام مردی بنام آی‌شمن هنوز زمان زیادی نگذشته و برای شناسائی کامل این پدیده از لحاظ تاریخی و درک معنای عمیق آن و نیز بررسی تأثیر و نمودش در تاریخ فرصت و مجال کافی پیش نیامده است. دادرسی آی‌شمن را باید جزء آن عده از حوادث تاریخی محسوب داشت که با همه تأثیرشان در شئون زندگی ما نمیتوان بمحض پیدایش بررسی و اظهار نظر پیرامون آن پرداخت.

محاکمه آی‌شمن در حقیقت تظاهر و خود نمائی عدالت بین‌المللی جزائی است. این نحوه قضاوت که هنوز مراحل اولیه تکامل خود را میپیماید غالباً توسط دولتها تقبل گردیده و با بعرضه عمل نهاده است! دولتهای مذکور این وظیفه را بدو نحو انجام میدهند:

یا اجرای مستقیم اصول و قواعد بین‌المللی و یا پذیرفتن قواعد مذکور و درج آنها در سیستم خاص حقوقی خود. دادرسی آی‌شمن مستقیماً بان عده دادرسیهائی مربوط است که هدفشان مجازات تبهکاران جنگ دوم جهانی بود و با محاکمه بزرگ سران نازی در نورمبرگ آغاز گردید. محاکمات دیگری هم در این زمینه در آلمان و ژاپن و نیز در ممالکی که در دوران جنگ تحت تسلط قوای نازی بودند بعمل آمد.

منظور این دادرسیها محاکمه و مجازات جنایاتی بود که عمال رژیم استبدادی دول محور در دوران جنگ دوم جهانی مرتکب شده بودند.

دادرسی آی‌شمن از این لحاظ که برای اولین بار امکان میداد تا کشتار عجیب شش میلیون یهودی در یک مرجع رسمی قضائی طرح و مورد رسیدگی قرار گیرد شایان اهمیت بسیاری است.

مرحله اول دادرسی آی‌شمن در دادگاه بدوی بیت المقدس انجام گردید. صلاحیت این دادگاه رسیدگی بحقوق عمومی بود. محاکمه این جنایتکار جنگ بموجب قانون شماره ۵۷۱۰/۱۹۵۰ کشور اسرائیل مربوط به «محاکمه و مجازات نازیها و هم‌دستان آنها» انجام گردید.

بازپرسی مقدماتی حدود یکسال بطول انجامید. جلسات دادگاه از یازدهم آوریل ۱۹۶۱ شروع شد و تا چهاردهم اوت همان سال ادامه داشت. در ظرف این مدت دادگاه ۱۱۴ جلسه تشکیل داد. سپس برای تنظیم رأی تا یازدهم دسامبر ۱۹۶۱ بشور پرداخت. قرائت رأی ۱۸۰ صفحه‌ای دادگاه هفت جلسه بمدت سه روز بطول انجامید. دادگاه بموجب این رأی اتهام آیشمن را بارتکاب اغلب جرائم انتسابی محرز تشخیص داده و او را با اعدام محکوم نمود. در ضمن این جلسات بیش از ۱۵۰۰ سند در دادگاه ارائه گردید و در حدود ۱۲ شاهد شفاها اظهاراتی نمودند. جلسات بازپرسی آیشمن یکی از طولانی‌ترین بازپرسی‌هایی بود که تا کنون انجام گردیده است.

مطالبی که در این جلسات مورد بحث قرار میگرفت فوراً بزبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی ترجمه میشد. بعلاوه از طرف مقامات اسرائیلی تمام تسهیلات لازمه برای ۳۵ نفر نمایندگان خبرگزاریهای خارجی و همچنین ناظرین و نمایندگان دولتهای مختلف و سازمانهای بین‌المللی که علاقمند بشرکت در جلسات محاکمه بودند فراهم گردید.

آیشمن از رأی صادره فرجام خواست!

دیوان کشور اسرائیل برای رسیدگی فرجامی از ۲۲ تا ۲۹ مارس ۱۹۶۲ و در ۲۹ مه ۱۹۶۲ تشکیل جلسه داد و رویهمرفته ۷ جلسه بدینمنظور تشکیل شد.

دیوان مذکور بموجب حکم شماره ۶۱/۳۳۶ خود تقاضای رسیدگی فرجامی آیشمن را رد کرد و باین ترتیب حکم صادره از طرف دادگاه بیت المقدس ابرام گردید.

تقاضای عفو از رئیس دولت اسرائیل نیز مورد قبول واقع نگردید و آیشمن تبه‌کار جنگ جهانی دوم در نیمه شب سی و یکم ماه مه ۱۹۶۲ بدار مجازات آویخته شد.

۲ - محاکمه آیشمن فرصت جدیدی بدست داد تا اصول اساسی حقوق جزای بین‌المللی مورد استناد قرار گیرد و جنبه عملی پیدا کند.

این اصول قبلاً در موقع تنظیم موافقت‌نامه لندن و اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی و نیز در هنگام استفاده از آن در محاکمات نورمبرگ مورد بحث قرار گرفته بود.

متهم و وکیل مدافع او در این دادگاه نیز مجدداً مسائل مربوط ببرگشت‌ناپذیری قوانین جزائی « اصل عدم عطف بماسبق » و اصل حاکمیت دولت و مسئولیت فردی کارکنان دولت در حقوق بین‌المللی و اطاعت از اوامر مافوق با رعایت سلسله مراتب و صلاحیت رسیدگی بپزه‌های دوره جنگ را مطرح نمودند!

دادگاه بدوی و سپس دیوان کشور اسرائیل با توجه باصولی که در نورمبرک مأخذ عمل قرار گرفته بود این مسائل را مورد توجه قرار دادند.

اصول مذکور بموجب قانون شماره ۵۷۱۰/۱۹۵۰ کشور اسرائیل در مورد مجازات نازیها و همکاران آنها رسمیت یافته و قوت قانونی پیدا کرده بود.

پاسخ دادسرا و دادگاه بدوی و رأی دیوان کشور اسرائیل بمسائل طرح شده فوق
برپایه یک منطق عالی علمی قرار داشت.

هدف این منطق بطور کلی این بود که محاکمه را در چهارچوب اصول و رویه
قضائی حقوق جزای بین‌المللی استوار سازد.

۳ - در این دادرسی دو مسئله بیش از سایر مسائل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت:
یکی مسئله حق دولت اسرائیل بر مجازات آی‌شمن و دیگری مسئله برگشت‌ناپذیری
قانون. ۱۹۵۰/۵۷۱ اسرائیل که بموجب آن اعمال انتسابی بآی‌شمن قابل مجازات تشخیص
داده میشود.

متهم و وکیل مدافع او صلاحیت دولت اسرائیل را نفی کردند.
استدلال آنان متکی باین منطق بود که آی‌شمن از مملکت آرژانتین که با نام
مستعار در آنجا میزیست قهراً ربوده و صرفاً بمنظور انجام محاکمه بکشور اسرائیل هدایت
شده بود.

عمل ربودن آی‌شمن را بی شک میتوان بنحو غیر قابل انکاری بعنوان نقض حقوق
فردی تلقی نمود ولی مقامات قضائی اسرائیل اظهار نظر نمودند که این عدم رعایت اصول
و مقررات نافی صلاحیت آنها در مورد این محاکمه نمیتواند باشد!
محاکم اسرائیل متکی بقاعده‌ای هستند که از لحاظ رویه قضائی دردادگاههای
انگلیسی و امریکائی سوابق طولانی دارد.

بموجب این رویه هرگاه محکمه‌ای ذاتاً برای رسیدگی بجرمی صالح باشد در صورتیکه
متهم در شرایط و کیفیات خاصی دستگیر شده باشد آن کیفیات در صلاحیت دادگاه تأثیری
نخواهد داشت

رویه مذکور در اسرائیل دارای ارزش حقوقی موضوعه میباشد. زیرا بموجب قوانین
این کشور « در موارد سکوت یا ابهام قوانین مدون و یا عرف و عادت باید
بکمک رویه‌های قضائی انگلوساکسون راه حل قضیه مطروحه را بدست
آورد. »

مطلب دیگری که مورد توجه واقع شد این بود که هر چند بموجب این رویه
قضائی و عقیده دانشمندان حقوق ربودن آی‌شمن ممکن بود در روابط آرژانتین و اسرائیل مؤثر
واقع بشود ولی بهیچوجه موجب حقی بنفع آی‌شمن نمیتوانست باشد.
این کیفیت با امکان نمیداد تا خود را از محاکمه و دادرسی در اسرائیل معاف
سازد.

آی‌شمن نه‌میتوانست بحق پناهندگی استناد نماید و نه بحق دیگری که از قرارداد
استرداد مجرمین بین دو مملکت ذینفع ناشی شده باشد.

قضیه ربوده شدن آی‌شمن بشورای امنیت نیز ارجاع گردید و بموجب
توصیه نامه‌ای که از طرف این سازمان بدولتین آرژانتین و اسرائیل ابلاغ شد
بدون اینکه روابط دوستانه دو کشور مذکور در معرض مخاطره قرار گیرد
موافقت نامه‌ای بین آن دو بامضا رسید!

مسئله آیشمن و نظایر آن یکی از موارد ضعف جامعه کنونی بین‌المللی را بما خاطر نشان میسازد زیرا از طرفی کشتار دسته جمعی بمنزله جنایتی علیه حقوق عمومی تلقی شده و دول تعقیب و مجازات آنرا بعهدہ گرفته‌اند و از طرف دیگر تأمین این منظور از حیثه قدرت دول مذکور خارج میباشد زیرا سدها و موانعی در این راه موجود است. تا کنون فقط موفق شده‌اند این سدها را با ایجاد تسهیلاتی بموجب قواعد حقوق جابجا کنند.

انکار صلاحیت دولت اسرائیل در مجازات آیشمن داد گاه را وادار ساخت صریحاً در حکم خود اعلام نماید که :

«کشتار دسته جمعی از لحاظ طبیعت و اهمیت خود جنایتی است

که برای همه محاکم در رسیدگی و مجازات ایجاد صلاحیت میکند . «

این تصریح و تأکید که متضمن عقیده جاری علماء حقوق نیز بوده و آنرا در این مورد تقویت مینماید دارای ارزش و اهمیت فوق‌العاده است زیرا برای جبران نقض قرارداد مربوطه به مجازات کشتار دسته جمعی وسیله تازه‌ای ایجاد میکند.

میدانیم که بموجب این قرارداد رسیدگی بجنایات جنگ و کشتار دسته جمعی در صلاحیت داد گاهی است که اعمال تبهکارانه مذکور در قلمرو آن ارتکاب یافته باشد و یا یک داد گاه عالی بین‌المللی که باید تشکیل بشود.

باین ترتیب ملاحظه میشود که موضوع محاکمه و مجازات «کشتار دسته جمعی» امری غیر عملی و تخیلی بیش نیست.

۴ - موضوع عدم عطف بماسبق در مجازات «کشتار دسته جمعی» مسئله خاصی را مطرح ساخته که در ضمن مدافعات آیشمن روی آن زیاد تکیه شد.

نکته مهم اینجاست که در مورد قانون ۵۷۱۰/۱۹۵۰ اسرائیل نمیتوان گفت که مجازات کشتار دسته جمعی فقط عطف بماسبق میشود. زیرا این قانون ناظر باعمالی است که حتی قبل از تشکیل دولت اسرائیل ارتکاب یافته و باین ترتیب پارا «از هاسبق» هم بعقب‌تر گذاشته است زیرا جنایات مذکور عملاً نمیتوانسته‌اند علیه دولت یا اتباع اسرائیل انجام پذیرفته باشند.

داد گاه این مسئله را نیز با منطقی قابل انعطاف که با حقوق جزای بین‌المللی منطبق و متناسب بود حل کرد !

داد گاه باین منظور اصل «تداوم حقوق علیرغم تغییر حاکمیت‌ها» را پذیرفت و آنرا بر پایه این فکر گروسیوس «Grotius» متکی ساخت که بر مبنای آن «حق مجازات جرمی که علیه یک جامعه انجام پذیرفته مستقیماً از ارتکاب خود آن جرم ناشی میشود و آن جامعه منحصرأ در صورتیکه حاکمیت را فاقد گردد ممکن است از اعمال و اجرای این حق محروم گردد . «

دولت اسرائیل وضعی مشابه با جمعیت یا جامعه‌ای که مورد نظر «گروسیوس» میباشد پیدا میکند ! زیرا این دولت از بازماندگان ملتی تشکیل شده است که قربانی این

قتل عام موحش بوده و در واقع تا حدی تشکل خود را مدیون همین کشتار عمومی است. بنابراین دولت اسرائیل بیش از هر دولتی مستقیماً در مجازات عاملین این جنایات ذینفع میباشد. هر چند جنایات مذکوره قبل از ایجاد آن دولت ارتکاب یافته باشد.

در متن قضیه داد گاههای اسرائیل مسئله عطف بمسابق شدن مجازات را که توسط داد گاه نورمبرگ طرح شده و مورد قبول علمای حقوق نیز واقع گردیده پذیرفتند.

۵ - مسئله سلسله مراتب و اطاعت از مافوق در این دادرسی نیز مانند سایر محاکمات نازیها مدتها موضوع بحث داد گاه بود.

قطعه اساسی دفاع بر این متمرکز بود که متهم تنها آلت اجرائی دستگامی بوده است که در سلسله مراتب. « رایش » مافوق و آمر او محسوب میشده است.

و اینکه شرکت او در کشتار عمومی یهودیان جنبه غیر مستقیم داشته و فعالیتش منحصرأ محدود بسازمان حمل و نقل بوده و حتی در این قسمت نیز فقط از ترس مرگ دستورات رؤسای مافوق را کورکورانه اطاعت میکرده است.

با وجود اینکه قانون شماره ۵۷۱ اسرائیل بموجب یکی از اصول داد گاه نورمبرگ « دستور مافوق » را فقط یک « کیفیت مخففه » تلقی میکرد مدافعین امیدوار بودند با توجیه نقش ایشمن بتوانند مطلقاً او را از مجازات معاف سازند. بی شک آنها امیدوار بودند داد گاه اسرائیل از رویه قضائی بعضی داد گاههای مناطق اشغالی آلمان پیروی خواهد نمود که بموجب آن کسانی که فقط « رل نمش » را در این جنایات بعهدہ داشتند تبرئه و از مجازات معاف میگرددند. محکمه جنائی و دیوان کشور اسرائیل که فعالیت ایشمن در حدود وظیفه یک مأمور معذور بوده است نپذیرفتند و اظهار نظر کردند که فعالیت های او از این حد تجاوز کرده و برعکس وی در سرتاسر این جریان وحشتناک که بنا بودی شش میلیون نفوس یهودی انجامیده محرک و گرداننده اصلی بحساب میآمده است.

بدون اینکه بخواهیم نقش قضات داد گاه را بعهدہ بگیریم باید اذعان کنیم که دلایل ارائه شده از قبیل اسناد رسمی و گواهی شهود و غیره همه مبین و مؤید نقش رهبری او بوده و فعالیت های ایشمن را در انجام این قتل عام موحش اثبات میکند.

۶ - قواعد و اصولی که از لحاظ تشریفات محکمه در دادرسی ایشمن رعایت گردید همان اصول محاکماتی بود که برای حقوق عمومی در حقوق جزای اسرائیل پیش بینی شده است.

این اصول که شباهت زیادی بآئین دادرسی گروه آنگلو ساکسون دارد احترام بحقوق اساسی دفاع را تضمین مینماید.

قانون ۵۷۱ اسرائیل بداد گاه اجازه میدهد در صورت لزوم از قواعد مربوط بادلہ تخلف ورزد.

در صورتیکه داد گاه تشخیص دهد این تخلف از قواعد به اجراء حقیقت کمک خواهد کرد و بیک قضات عادلانه منتهی خواهد گردید میتواند از این حق خود استفاده نماید.

در این مورد دادگاه دلایل تخلف خود را از قواعد مربوط بادلّه و دادرسی در حکم خویش قید نماید.

بدیهی است استفاده از این اختیار هرچند با ملاحظه کیفیات مخصوصی که اعمال جنایتکارانه عمال نازی در آن انجام پذیرفته ضروری بنظر میرسد، امری خطرناک است! محکمه جنائی اسرائیل از این اختیار خود سوء استفاده نکرد و هر بار که تصمیم گرفت این قواعد را نادیده بگیرد علت آنرا صریحاً در حکم اظهار نمود.

موضوع «دلایل» مسائل تازه‌تری را نیز مطرح ساخت. یکی از آن موارد این بود که بیشتر کسانی که امکان داشت بعنوان شاهد در دادگاه حضور یابند و باین عنوان اظهاراتی بنمایند از این عمل شانه خالی کردند زیرا بیم آن داشتند که: **هنگام ورود بخاک اسرائیل دستگیر و بنام همکاری در کشتار عمومی یهودیان تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند.**

ولی دادستان کل اسرائیل با بیان صریحی در این زمینه اظهار عقیده و وضع خود را توجیه نمود.

مسئلاً نمیتوان دولتی را بخاطر اینکه از حق خود در نتیجه مقصرین بخصوص در مورد چنین جنایات عظیمی صرف نظر نکرده است سرزنش نمود. ولی در مورد قضیه‌ای نظیر قضیه ایشمن نظر با اهمیت خاص این دادرسی و محدودیت وسایل دفاع میتوان استثنائاً آنرا مجاز شمرد.

شک نیست گواهیهائیکه از طریق نیابت قضائی در خارج تحصیل میشد نمیتوانست دارای ارزش و تأثیر کافی قضائی باشد. بعلاوه استماع شهود در خارج خالی از نقص نبود مثلاً در موردی یکی از گواهان دو روز قبل از استماع شهادت از آنچه میباید در دادگاه مطرح شود مطلع بوده و با یکی از گواهیها که در اطریش استماع گردید بدون حضور نمایندگان متهم یا دادسرا انجام گرفت.

تشخیص ارزش و اعتبار بعضی گواهیها یا اظهاراتیکه که از ناحیه بعضی از متهمین نازی بضرر متهم ادا میشد نیز خالی از اشکال نبود زیرا بطور قطع منافع این اشخاص اقتضا میکرد تا بار همه گناہانی را که خود نیز بآن متهم بودند بدوش ایشمن بیندازند! این گواهیها نوعاً نمیتوانست دارای ارزش قضائی باشند معذالک دادگاه آنها را بلاحاط اینکه در روشن ساختن بعضی جنبه‌های این موضوع پردازنده جنائی کمک خواهد نمود مورد توجه قرار داد.

بهر صورت دادگاه ضمن رای خود در مورد ارزش ادله شروطی قائل گردیده و از اینکه ایمان و یقین وجدانی خود را بر آن دلایل متکی سازد خود داری نموده است.

۷- در مورد انتخاب نوع مجازات نیز ایرادات و گفتگوهای شد این ایرادات بیش از آنکه متوجه قلت یا شدت مجازات باشد متوجه نقش مجازات اعدام بود.

بطور کلی قانونگذار اسرائیل با کیفر مرگ آشنا نیست و تنها بطور استثناء در مورد جرائم مهم نازیها و همدستان آنها مجازات اعدام را پیش بینی نموده است:

از لحاظ ما که مخالف مجازات اعدام و طرفدار الغاء آن (حد اقل در کشورهای توسعه نیافته) میباشیم فقط میتوانیم عدم توافق و تقاهم خودمان را با دولت اسرائیل در این مورد بیان نمائیم .

تنها آرزو کنیم که دولتها در طریق همگام ساختن قوانین و محاکم خود با مقتضیات عدالت بین المللی از این اصل اخلاقی زمان ما الهام بگیرند و حتی الامکان از قبول یا حد اقل اجرای مجازات اعدام خود داری کنند !

خصوصاً در مملکتی مانند اسرائیل که مقاومت خود را با این مجازات بصورت لغو آن در مورد جنایات علیه حقوق عمومی صریحاً نشان داده اند .

دادرسی ایشمن بیشک مقام مقدمی در میان محاکمات بزرگ قرن ما که به حقوق عمومی بین المللی ارتباط مییابند احراز خواهد نمود .

بررسی و مطالعه این دادرسی نه فقط از لحاظ مسائل قضائی که مطرح یا حل مینماید حائز اهمیت میباشد بلکه بیشتر ارزش آن از لحاظ اینست که برخی اعمال جنایتکارانه را که در عصر ما بصورتی خارق العاده تظاهر میکند بما می شناساند و علل پیدایش و نتایج مترتبه بر آن اعمال را بمنظور جستن راهی بهتر برای مبارزه علیه آنها آشکار میسازد .